

نقش تولیدات فرهنگی در عدم ارائه خشونت در بین نوجوانان به عنوان سرمایه‌های اجتماعی

زهرة میرحسینی^۱

زهرة دوگچی^۲

سمیه نصیری^۳

چکیده

هدف این مقاله بررسی ابعاد سه گانه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی، خشونت نمادین و عرصه‌ی تولیدات فرهنگی در عدم ارائه خشونت در بین نوجوانان به عنوان سرمایه‌های اجتماعی، با توجه به نظریه‌ی بوردیو است. بنابراین مطالعه حاضر با بهره‌گیری از نظریه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی بوردیو در پی آن است که بداند ارائه‌ی محصولات و تولیدات فرهنگی و ایجاد سرمایه‌ی فرهنگی و فرهنگسازی در میان نوجوانان بزه‌کار به عنوان سرمایه‌های اجتماعی، به چه میزان منجر به عدم ارائه‌ی خشونت در میان آنها می‌گردد و سعی بر آن است که به نهادینه کردن عادات درست فرهنگی نظیر مطالعه و تحصیل از طریق عرصه‌ی تولیدات فرهنگی و سرمایه‌های فرهنگی مد نظر بوردیو پرداخته و بتوان عادات سطح پایین قشر نابه‌هنجار اجتماع را (نوجوانان بزه‌کار) به سطحی مطلوب رساند و خشونت نمادین حاصل از بستر نامناسب فرهنگی و اجتماعی را که در آن رشد یافته‌اند، در آنها تقلیل داد و به کمک تسلط از طریق کاربردهای رسمی زبان و آموزش اعمال شده از طریق طبقه مسلط‌تر، بر روی این قشر سطح آنها را در طبقه‌ی حاصل از ساختار اجتماعی‌شان بالا کشید و کنترلشان کرد.

واژگان کلیدی: سرمایه‌ی اجتماعی، سرمایه‌ی فرهنگی، تولید فرهنگی، خشونت نمادین، نوجوانان،

مراکز بازپروری.

۱. عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، دانشیار گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، zmirhosseini@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال،

lidadoogchi@yahoo.com

۳. دانشجوی دکتری علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال،

salinasiri86@gmail.com

از آنجا که جایگاه فرد در جامعه روی تصمیم‌ها و کنش‌های او در زندگی اجتماعی تأثیر می‌گذارد، بوردیو¹ نظراتش را بر مبنای ساخت و پرداخت و ارائه‌ی جهان اجتماعی متمرکز کرد تا نحوه‌ی ساختاریابی طبقات را، هم در ربط با طبقات دیگر و هم در درون هر طبقه، توضیح دهد. این تعبیر سلسله‌مراتبی که او از جهان اجتماعی به دست داده قابل‌تعمیم به موقعیت‌های اجتماعی یا جوامع متعدد است، چرا که او به تحلیل فرایندها و رویه‌هایی پرداخته که بر تحول فرد تأثیر می‌گذارند و به ایجاد ساختارهای اجتماعی کمک می‌کنند. در عین حال بیشتر نظریات وی حول مفهوم نظریه‌ی عام «رویه» می‌چرخد که در باب این است که؛ ما به عنوان افراد و اعضای جامعه در زندگی روزانه چگونه عمل می‌کنیم، از کجا می‌دانیم که چه کار باید بکنیم، چگونه تصمیم می‌گیریم به ویژه تصمیم‌هایی که به‌طور ناخودآگاه اتخاذ می‌کنیم یا چگونه باید صحبت کنیم و چه بگوییم. همه‌ی این‌ها از منظر نگاه یک فرد به جهان ناشی می‌شود که به گفته بوردیو، از طریق جایگاه او در جامعه و ساختار آن جامعه شکل می‌گیرد. به عبارت دیگر، سرگذشت آدمی، از جمله خانواده، آموزش، کنش و واکنش‌ها با طبقات دیگر، زبان و آیین‌ها، همه و همه در اتخاذ تصمیم‌ها، پرسیدن سؤال‌ها و جمع‌آوری و فیلتر کردن داده‌ها و اطلاعات رسیده از جهان نقشی به عهده دارند. «بوردیو» با استفاده از مفاهیمی چون عادت، قدرت نمادین و میدان‌های تولید، چشم‌اندازی از جهان اجتماعی فراهم می‌آورد که در آن افراد و گروه‌های دارای منافع و علائق مشترک (اجتماعی، اقتصادی، آموزشی، جنسیتی، قومیتی) جامعه و ساختار آن را خلق می‌کنند و آنگاه از طریق فرایندها، رویه‌ها و قواعد و محدودیت‌ها، به خلق یک ادراک مشترک بر زبان نیامده از کاربردهای قدرت، سرمایه و آموزش یاری می‌رسانند که به شکل‌گیری و تأثیرگذاری ساختار جهان اجتماعی مبتنی بر مفهوم «عادت» می‌انجامد.

نظریه عادت

«عادت» نظریه‌ی اصلی بوردیو است، بدین معنی که افراد جهان‌بینی‌های خود را از طریق بازشناسی ناخودآگاهانه‌ی الگوها، قواعد و انتظارات مبتنی بر طبقه‌ی اجتماعی، سرگذشت خانوادگی، هویت جنسی، آموزش و کنش و واکنش‌ها با دیگران در تمام سطوح درون جامعه، خلق می‌کنند. با توجه به این‌که عادت، فرایندی است که در هماهنگی با دیگران پیش می‌رود، اعضای دیگر جهان اجتماعی در

¹ . Bourdieu, Pier

تمام سطوح سلسله مراتب اجتماعی، در پیدایش و تحول عادت نقش ایفا می‌کنند. یعنی به عبارتی طبقات مسلط می‌توانند از طریق تثبیت امری مشروع و معقول که ممکن است شامل فرصت‌های آموزشی، کاربرد زبان رسمی، کارهای فرهنگی وسیعاً قابل پذیرش، ضرورت‌های مسیرهای تحرک اجتماعی - به سمت بالا یا پایین - باشند، به ملکه ذهن کردن «عادت» کمک کنند. بنابراین به محض این‌که یک هدف، کار، یا کنش مشروع تثبیت شد، بسته به عادت آن طبقه اجتماعی، یا پذیرفته می‌شود، یا به درون طبقات دیگر یا طبقات مسلط، پس زده می‌شود. با توجه به همین نظریه‌ی بوردیو، ایجاد عادات درست فرهنگی نظیر مطالعه و تحصیل از طریق عرصه‌ی تولیدات فرهنگی و نهادینه کردن سرمایه‌های فرهنگی مد نظر بوردیو، می‌توان عادات سطح پایین قشر نابه‌نجار اجتماع مانند جوانان بزه‌کار را که خودشان نوعی سرمایه‌های اجتماعی محسوب می‌شوند، به سطحی مطلوب رساند و خشونت نمادین حاصل از بستر نامناسب فرهنگی و اجتماعی رشد یافته در آن‌ها را تقلیل داد.

فرزندان به خصوص نوجوانان از منظر سرمایه اجتماعی خانواده هدف اساسی این مطالعه‌اند، زیرا دوره نوجوانی از دوره‌های بسیار حساس زندگی است که موجد بیشترین بحران‌ها و تعارض‌های با والدین و کارگزاران تعلیم و تربیت است. در این دوره به دلایل تغییرات زیست‌شناختی که با بلوغ همراه می‌باشد، نوجوان صاحب دنیای ویژه‌ای می‌شود. نسبت به ارزش‌ها، باید و نبایدها و قدرت دچار تردیدهای جدی می‌شود. همین امر موجب سرکشی و طغیان بر علیه قدرت و ارزش‌های جامعه می‌شود (سگالن، ۱۳۷۰، ص ۲۲۶).

بنابراین نحوه برخورد با نوجوان در خانواده بسیار اهمیت می‌یابد. چرا که هر گونه عدم شناخت دنیای نوجوان می‌تواند، پیامدهای ناگواری برای آینده شخصیتی، تحصیلی و شغلی وی داشته باشد. بنابراین شناخت و تقویت نوجوانان به عنوان سرمایه‌های اجتماعی، می‌تواند بر سلامت هر اجتماعی تأثیرگذار باشد، چرا که به تصریح بسیاری از محققان سرمایه‌های اجتماعی در سال‌های اخیر دچار فرسایش شده‌اند (شارع‌پور، ۱۳۷۹).

هدف از انجام این مطالعه این است که بدانیم: آیا می‌توان با ایجاد بستر فرهنگی و فرهنگ‌سازی مناسب نوجوانان بزه‌کار را به مسیر درست برگرداند؟

در این پژوهش جهت درک بهتر روابط میان کلیدواژه‌های موجود در نظریات بوردیو، ابتدا پس از بررسی نظریه عادت به تعریف واژگان سرمایه و قدرت، قدرت نمادین، سرمایه‌های اجتماعی، نمادین،

فرهنگی، تحصیلاتی و خشونت نمادین و در نهایت ربط مفهوم عادت به این واژگان و ارتباط این مفاهیم با علوم کتابداری پرداخته می‌شود.

سرمایه

از دید بوردیو، سرمایه، هر منبعی را گویند که در عرصه خاصی اثر گذارد و به فرد امکان دهد که سودی ویژه از راه مشارکت در رقابت بر سر آن به دست آورد. وی، سرمایه را به چند مقوله‌ی گسترده تقسیم می‌نماید: اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نمادین. سرمایه، عملاً کار انباشته شده (در شکل مادی و معنوی) است. به دست آوردن سرمایه، زمان‌بر است، اما وقتی به دست می‌آید می‌توان آن را در موقعیت‌های جدید، سرمایه‌گذاری نمود. سرمایه، ثروتی مولد یا منبعی است که شخص می‌تواند جهت ایجاد درآمد یا منابع اضافی دیگر، به کار برد (قاسمی و نامدار جویمی، ۱۳۹۳).

قدرت و سرمایه

قدرت و سرمایه، درست همان‌گونه که عادت درکی از جهان اجتماعی و نحوه‌ی جای‌گیری آدمی در درون آن را پدید می‌آورد، مفهوم قدرت نیز ساز و کاری است جهت حفظ یا از دست دادن ساختار و موقعیت طبقات در جهان اجتماعی که می‌تواند همانند -منزلت طبقات اجتماعی- در دو سطح بالا و پایین قرار گیرد. در واقع افراد در درون طبقات اجتماعی دارای وزن و اهمیت متفاوتی هستند و این منزلت را به وسیله سرمایه‌های مختلف تحصیلی، فرهنگی، اقتصادی و ... کسب کرده‌اند که منجر به ایجاد قدرت در آنها می‌شود. به همان نسبت که این قدرت می‌تواند مثبت بوده، سیر صعودی داشته باشد و باعث پیشرفت رو به بالای شخص در طبقات اجتماعی گردد، می‌تواند ویژگی مخرب داشته و سیر نزولی و رو به پایین و تنزل را برای فرد به همراه بیاورد. از جمله وجوه منفی اقتدار، زورگویی و خشونت در میان نوجوانان است.

به گفته‌ی بوردیو، قدرت روی مفاهیم سرمایه، که غالباً از طریق منابع اقتصادی و فرهنگی سرچشمه می‌گیرد، بنا می‌شود. افراد ممکن است از طریق ابزارهای آموزشی مثلاً مدارک تحصیلی و مطالعه و کسب علم و ثروت‌اندوزی، کسب سرمایه نمایند. به هر حال سرمایه‌ی تحصیلی و سرمایه‌ی نمادین (اشتهار به شایستگی و داشتن اعتبار و احترام) غالباً بخشی از سرمایه‌ی فرهنگی هستند که

منزلت اجتماعی و عادت آن‌ها را از هم متفاوت می‌کنند. به عبارتی هر یک از اشکال سرمایه مانند تحصیلی، فرهنگی، اقتصادی و ... موقعیت درون طبقه‌ی اجتماعی، افراد را دارای وزن و اهمیت متفاوت می‌سازند و منجر به این می‌شوند که تقسیم‌بندی‌های درون تک تک طبقات قابل شناسایی شوند. به طور مثال محل سکنا‌ی شخص در سلسله مراتب اجتماعی متکی است بر سرمایه‌ی اقتصادی و فرهنگی وی که در نهایت وابسته‌اند به قدرت فردی شخص مزبور که تا چه حد اقتدار داشته و توانسته از سرمایه‌های بالفعل و بالقوه‌اش استفاده کرده و جایگاه خود را در طبقه‌ی اجتماعی‌اش تعیین کند، بالا بکشد، یا حتی تضعیف کند.

قدرت نمادین

وقتی بوردیو از قدرت سخن می‌گوید، منظورش مفهوم قدرت نمادین است، یعنی قدرت حاصل از پی بردن به اهمیت سرمایه‌ی اقتصادی و فرهنگی که منجر به ایجاد نفوذ و اقتدار برای ساختن هنجارها و ارزش‌های تثبیت شده است. قدرت نمادین، همانند عادت، بدون وقوف آگاهانه تحقق می‌یابد و در واقع قدرت نامرئی‌ای است که فقط با همدستی کسانی اعمال می‌شود که نمی‌خواهند بدانند این قدرت‌ها بر آن‌ها اعمال می‌شود یا حتی خودشان آن را اعمال می‌کنند (بوردیو، ۱۹۹۱، ص ۱۶۴). اینجاست که باید بتوان از ویژگی «قدرت نمادین» استفاده نمود و افرادی که قدرتشان در جهت خشونت و تحت تأثیر شرایط منفی محیطی و بستر سرمایه‌های فرهنگی نامناسب به طور ناخودآگاه شکل گرفته را توسط افراد مقتدر دیگر و از طریق اعمال قدرتی حاصل از سرمایه‌ها و تولیدات و ابزارهای فرهنگی؛ کنترل کرد و خشونت نمادین حاصل از قدرت نمادین منفی شکل گرفته در این قشر را بر طرف و تبدیل به قدرت مثبت در راستای تقویت و بهسازی اندیشه و روح این افراد به عنوان سرمایه‌های اجتماعی نمود.

سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی، شبکه‌ای از روابط و پیوندهای مبتنی بر اعتماد اجتماعی بین فردی، بین گروهی و تعاملات افراد با گروه‌ها، سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی است. مفهوم سرمایه اجتماعی را «پیر بوردیو» در ادبیات جامعه‌شناسی مورد توجه قرار داد و آن را از سایر انواع سرمایه‌های اقتصادی، فرهنگی و نمادین متمایز ساخت و برای آن خصلتی تعاملی قائل گردید و آن را شبکه نسبتاً با دوامی از روابط کمابیش نهادینه شده توأم با شناخت و تعهدات از جمله اعتماد متقابل دانست که به عنوان منابعی بالفعل

یا بالقوه موجبات لازم برای تسهیل کنش‌های فردی و یا جمعی‌کنش‌گران را فراهم می‌سازد (بورديو، ۱۹۸۶، ص ۲۴۸). سرمایه اجتماعی مبتنی بر تعهدات و ارتباطات اجتماعی است. بورديو، سرمایه اجتماعی را در شکل حمایت خانوادگی، منبع سرمایه فرهنگی می‌داند و منظورش از سرمایه اجتماعی، منافع و منابعی است که افراد به واسطه عضویت در شبکه‌ها به دست می‌آورند.

سرمایه نمادین

«بورديو» معتقد است که اعمال قدرت به مشروعیت، نیاز دارد، یعنی افراد و گروه‌هایی که می‌توانند خود را از گروه‌ها و افرادی که منافع مشخصی دارند، به گروه‌ها و افرادی که منافع ندارند، تغییر دهند. این سرمایه، روابط مبتنی بر منافع بنیادین را که با آنها مرتبط است، با مشروعیت دادن به آنها پنهان می‌کند. پس «سرمایه‌ی نمادین، شکلی از قدرت است که نه به عنوان قدرت، بلکه به عنوان تقاضای مشروع برای به رسمیت شناختن، احترام، اطاعت و خدمات دیگران، مشاهده می‌شود. به عبارت دیگر، سرمایه‌ی نمادین، هر نوع از سرمایه است که دسته‌ای از اعضای اجتماع، آن را درک می‌کنند، به رسمیت می‌شناسند و برای آن ارزش قائل می‌شوند. سرمایه‌ی نمادین که از حیثیت شخص، سرچشمه می‌گیرد، مجموعه‌ی ابزارهای نمادینی چون: پرستیژ، احترام، قابلیت‌های فردی در رفتارها (کلام و کالبد) و شکوه و فره‌مندی را به فرد عطا می‌نماید (قاسمی و نامدار جویمی به نقل از فکوهی، ۱۳۸۴، ص ۳۰۰). سرمایه‌ی نمادین حاصل تصدیق مشروعیت کسی است که آن را در اختیار دارد. این سرمایه، جز در احترام، بازشناسی، باور، اعتبار و اعتماد دیگران وجود خارجی، پیدا نمی‌کند و تا زمانی که باور دیگران را به همراه نداشته باشد، نمی‌تواند دوام بیاورد. اما در صورت وجود آن، اعتماد و پذیرش از سوی همگان، آن شخص، به مشروعیت دست می‌یابد.

سرمایه‌ی نمادین فرهنگی

آن دسته از سرمایه‌ی فرهنگی می‌باشد که برای مردم به عنوان نماد، محسوب می‌شود و مردم برای دارنده‌ی آن احترام و منزلت خاصی قائل می‌شوند. سرمایه‌ی فرهنگی نمادین، چیزی است که فرد، با داشتن آن، در چشم مردم مورد ستایش و احترام است. ممکنست در برخی مناطق و میان افراد خاصی، فرهنگی خاص یا فرهنگی منفی و متضاد با فرهنگ پذیرفته شده، به عنوان سرمایه‌ی نمادین فرهنگی، دارای ارزش و احترام باشد؛ ولی در کل باید گفت که سرمایه‌ی نمادین فرهنگی، هرگونه از سرمایه‌ی فرهنگی محسوب می‌شود که به عنوان نماد و سمبل و پرستیژ استفاده می‌شود و دارنده‌ی آن از جانب

مردم یا گروهی خاص، مورد احترام قرار می‌گیرد. به عبارتی دیگر، این سرمایه به عنوان نماد و سمبل از طرف جامعه شناخته می‌شود و پذیرش آن در جامعه با توجه به ارزش‌ها و ضدارزش‌های پذیرفته شده در هر جامعه امریست نسبی و در کل باید گفت: وجه تمایز سرمایه‌ی نمادین با سایر سرمایه‌ها در کلمه‌ی «نماد، سمبل و داشتن پرستیژ در چشم دیگران» نهفته است و این نماد با گذر زمان و مکان، تغییر می‌یابد.

با توجه به تعاریف بالا، سرمایه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی‌ای که ممکن است در زمان گذشته، نماد محسوب شده باشند، در زمان حال، سرمایه‌ی نمادین محسوب نشوند و افراد به داشتن آنها به عنوان پرستیژ و افتخار، نگاه نکنند و یا در گذشته نماد نبوده‌اند؛ اما در زمان حال، نماد محسوب شوند (نامدار جویمی، ۱۳۹۳، ص ۵۰). از این رو باید از این قابلیت سرمایه نمادین جهت سمبل‌سازی و از قدرت مسلط برای جا انداختن عادات سالم به جای نهادینه شدن رفتارهای پرخطر در نوجوانان بهره گرفت تا بتوان آن‌ها را به مسیر اصلی، به هنجار و درست ساختارهای اجتماعی برگرداند.

سرمایه فرهنگی

«بورديو» تأثیر سرمایه‌ی فرهنگی بر مصرف، فعالیت و سبک زندگی را با توسل به نظریه‌ی تمایز بیان می‌کند، به طوری که دارندگان سرمایه‌ی فرهنگی زیاد، خود را با مصرف فرهنگ و هنر متعالی، از بقیه متمایز می‌کنند. داشتن سرمایه‌ی فرهنگی بیشتر به معنای داشتن توان شناختی بالاتر و گرایش به هنر متعالی، ناشی از شایستگی بیشتر دارندگان این سرمایه است. بورديو، معتقد است که طبقه بالای جامعه، علاوه بر امکانات اقتصادی و به تبع آن سیاسی، سرمایه‌ی فرهنگی و اجتماعی را نیز در اختیار دارند. این امر مانند سرمایه‌ی اقتصادی، موجب می‌شود که آنان در چرخه‌ی بازتولید قرار گیرند و موجب افزایش آن شوند و از طریق سرمایه‌ی فرهنگی، شیوه‌ی رفتار و گفتار خود و همین‌طور نحوه‌ی عمل اجتماعی خود را از دیگر طبقات جدا کنند، به طوری که این طبقه با داشتن امکانات و ملزومات فرهنگی، از لحاظ ذهنی و عینی، در ساختاری قرار می‌گیرند که خود را از دیگر طبقات جامعه جدا می‌دانند. در واقع کسی که به واسطه‌ی سرمایه‌ی فرهنگی منزلت دارد، می‌تواند روایت خود را از دنیای اجتماعی بر دیگران تحمیل کند یا دارندگان این سرمایه می‌توانند خود را از الزامات زندگی روزمره جدا کنند و نوعی گزینش دلخواه در عرصه‌ی فرهنگ انجام دهند. نکته‌ی حائز اهمیت در اندیشه‌ی بورديو، راجع به انواع سرمایه، آن است که اشکال گوناگون سرمایه، قابل تبدیل به هم هستند. پس می‌توان گفت که جوهر

نظریه بوردیو راجع به انواع سرمایه، در این امر نهفته است که سرمایه‌ها قابل انباشت، مبادله و تبدیل به سایر انواع سرمایه‌اند (قاسمی و نامدارجویمی، ۱۳۹۳). بنابراین با توجه به این نظریه می‌توان گفت که به کمک عرصه‌ی تولید فرهنگی در علم کتابداری می‌توان فرهنگ‌سازی نمود و سرمایه فرهنگی حاصل از این فرایند را در راستای بهینه‌سازی سرمایه‌های اجتماعی به کار بست و در واقع سرمایه فرهنگی را به سرمایه اجتماعی تبدیل نمود.

از آنجاکه سرمایه‌ی فرهنگی مستلزم دانش پایه‌ای معینی است، داشتن نوع غنی آن، نه فقط تحصیلات یا شهرت و اعتبار بلکه جامعیت و قابلیت را طلب می‌کند که تنها قدرت که حاصل سرمایه‌ی اقتصادی و فرهنگی است، می‌تواند بنیانی را فراهم آورد جهت ساختاربخشی به جامعه و ایجاد و تشدید عادت در جامعه که در اینجا سعی بر آنست که از ایجاد و تشدید عادت در عرصه‌ی ارائه‌ی تولید فرهنگی و ایجاد سرمایه‌ی فرهنگی در فرهنگ‌سازی قشری استفاده کنیم که قدرت، در آن‌ها در جهت منفی و به صورت خشونت نهادینه شده و باید بتوان به کمک قدرت نفوذ کلام، عادت مطالعه و استفاده از تولیدات فرهنگی را در بین آن‌ها رایج نمود تا بدانیم به چه میزان با چنین فرهنگ‌سازی می‌توان سیر نزولی ساختار طبقه اجتماعی این افراد را بالا کشید و تبدیل به سیر صعودی کرد.

از سویی دیگر در تحلیل بوردیو، ساخت جهان اجتماعی محدود شامل میدان‌ها یا عرصه‌های تولید و قدرت نیز می‌شوند که در واقع این عرصه‌ها، فضاها یا اجتماعی‌ای هستند که در آن‌ها اعضا بر اساس عادت و سرمایه در هریک از سطوح متفاوت قدرت، متمایز می‌شوند. کشمکش در عرصه تولید فرهنگی محدود به هنر و دیگر مصنوعات فرهنگی نمی‌شود بلکه نحوه‌ی استفاده از زبان نیز یکی از ابزارهای مهم جهت خلق و حفظ ساختارهای اجتماعی است. گفتار، شاخص آشکاری برای جایگاه اجتماعی و عادت است. زبان نوعی تکنیک جسمانی است که کل رابطه‌ی شخص با جهان، در آن متجلی می‌شود (بوردیو، ۱۹۹۱، ص ۸۶). گفتار از همان آغاز متأثر از کسانی است که با ما سخن می‌گویند که در مبحث مورد نظر ما، ابتدا در ساختار اجتماعی اولیه، یعنی خانواده شامل صحبت و برقراری ارتباط والدین با فرزندان و سپس در مرحله دوم، ورود به اجتماع بزرگتر برای اعضا، شامل برقراری ارتباط کلامی اولیای مدرسه در عرصه‌ی تحصیلی با کودکان و نوجوانان، می‌گردد. بنابراین با توجه به این‌که هر گفتمانی بر اساس رابطه‌ی بین عادت و عرصه (بازار) تولید فرهنگی شکل می‌گیرد، افراد مسلط با بهره‌گیری از قدرت نفوذ کلام و برقراری روابط کلامی می‌توانند سعی کنند که عادت

مطالعه و استفاده از تولیدات فرهنگی را در قشر نوجوان دچار خشونت، در راستای براندازی این خصایص منفی به کار بندند. چنین افراد مسلطی به دلیل برخورداری از قدرت نفوذ و تسلط کلامی شان می‌دانند که در وضعیت‌های رسمی و غیررسمی (خودمانی) از چه زبان و کلماتی باید استفاده کنند یا اگر نمی‌دانند، از اعتماد به نفس یا دانشی برخوردارند که برخاسته از عادت آنهاست و آنان را قادر می‌سازد، بدون این که جهالتی بروز دهند یا مورد قضاوت قرار گیرند یا به دلیل این ضعف‌ها دچار پرخاش و خشونت شوند، کمبود دانش خود را بروز دهند و اینجاست که نظریه‌ی خشونت نمادین بوردیو مطرح می‌گردد.

خشونت نمادین

واژه‌ی خشونت نمادین از منظر بوردیو به نوعی برگرفته از همان قدرت، سرمایه فرهنگی و کلامی است و در این راستا به مواجهه‌ی نوجوانان با این واژه پرداخته خواهد شد. خشونت نمادین به این دلیل شکلی از خشونت است که افراد یا طبقات برخوردار از بیشترین سرمایه‌ی فرهنگی و قدرت نمادین، معمولاً به‌طور ناخودآگاه، واژه‌ها، نمادها و اعمال را به زور به طبقات تحت سلطه اعمال می‌کنند. بنابراین باید سعی شود که خشونت حاصل از این اقتدار را در نوجوانان، با قدرتی برتر و به‌صورت ظریف و نامحسوس به کمک استانداردهای زبان از طریق آموزش و نهادهای رسمی چون خانواده، مدرسه و سایر مراکز تعلیم و تربیت ویژه‌ی نوجوانان، توسط کسانی که در این نهادها هستند مانند والدین، اولیای مدرسه و... که گفتارشان حامل حداکثر قدرت است سرکوب و تعدیل نمود.

کودکان و نوجوانان به علت رشد نیافتگی عاطفی و هیجانی بیشتر در معرض آسیب‌های ناشی از خشونت هستند و مواجهه دائمی با این رفتار از توانایی آنها در ایجاد اعتماد به اطرافیان، می‌کاهد و اعتماد به نفسشان را پایین می‌آورد. قدرت تطابق و سازگاری کودکان و نوجوانان کمتر و احتمال اینکه در صورت مواجهه با خشونت، در آینده دست به خشونت بزنند، بیشتر است. در ارزیابی آثار سوء خشونت اجتماعی بر کودکان و نوجوانان مشاهده شده است که میزان افسردگی، اختلال در تمرکز و رفتارهای پرخطر در این کودکان بیشتر و امید به آینده کمتر است (گاربارینو، دوبرو و کاستنلی، ۱۹۹۲).

نتایج مطالعه اودانل^۱، شواب - استون و موید^۲ (۲۰۰۲) حاکی از آن بود که کودکان شاهد خشونت در نوجوانی بیشتر به سمت رفتارهای بزهکارانه و مخرب در مدرسه و مواد مخدر کشیده شده‌اند. در نهایت این که بررسی‌های محققان نشان داده است که مواجهه با خشونت می‌تواند عامل ایجاد مشکلات روحی و روانی متعددی باشد، اما قدرت تطابق مناسب و توانایی ایجاد و یا تقویت عوامل هیجانی و رفتاری مثبت از طرق مختلف که در اینجا ارائه‌ی تولیدات فرهنگی جهت فرهنگ‌سازی مدنظر است، می‌تواند در برخورد با عوامل منفی، استرس این مشکلات را به حداقل برساند. دقیقاً در همین نقطه است که می‌توان پی به رابطه‌ی نظریه‌ی «بوردیو» با علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی برد تا بتوان از آن در راستای بازپروری استعدادها و قابلیت‌های نهفته‌ی مثبت نوجوانان در جهت کنترل و عدم بروز خشونت در آن‌ها بهره‌گیری کرد.

ارتباط بین علوم کتابداری، نظریه بوردیو و تأثیر بر خشونت جوانان همراه با بررسی

پیشینه‌های پژوهشی

نحوه‌ی برخورد ما با اطلاعات، خواه در یک کتاب، یک پایگاه اطلاعاتی، یا یک مصنوع فرهنگی و نحوه‌ی ارائه‌ی اطلاعات به جامعه از جهان‌بینی خود ما تأثیر می‌پذیرد. آثار بوردیو چندین مفهوم مرتبط، با تخصص‌های کتابداری و اطلاع‌رسانی در بر دارند: عادت، سرمایه، قدرت نمادین و نحوه‌ی استفاده از زبان و عرصه‌های تولید فرهنگی. در مقالات جان باد و لین اس.کاناوی (۱۹۹۸) و کرونین و دبرا شاو (۲۰۰۲) که بر جنبه‌های مختلف آموزش کتابداری و اطلاع‌رسانی تمرکز دارند، نقش زبان را به عنوان شکلی از قدرت نمادین در درون این تخصص بررسی کرده‌اند، زبانی که ساخت و پرداخت و ارائه‌ی محتوای آموزشی را تحت نفوذ خود دارد و از آنجا که کتابداری و اطلاع‌رسانی در ذات خود یک تخصص خدماتی و آموزشی محسوب می‌گردد و قدرت نمادین و سرمایه‌ی فرهنگی نیز به دلیل اهمیت و تأثیرشان در آموزش بسیار کاربردی‌اند و هم راس تا با این رشته بر عادت و نحوه‌ی جهان‌بینی‌ها تأثیرگذارند، می‌توانند خدمات بهتری را برای اجتماع و ساختار اجتماعی به ارمغان آورند و در حفظ، بازسازی و پرورش سرمایه‌های اجتماعی کوشا باشند. در

^۱. O'Donnell

^۲. Muyeed

نهایت نحوه‌ی خدمات‌دهی متخصصان کتابداری و اطلاع‌رسانی به کمک استفاده از زبان و عرصه‌ی تولیدات فرهنگی و قدرت نمادین و سرمایه‌ی فرهنگی موجود در نظریات بوردیو می‌تواند به عنوان ابزاری برای تشدید و تقویت ساختارهای اجتماعی موجود باشد و مخالف رویه‌ها و نابرابری‌های سرکوبگرانه عمل کند.

فرانس بوتیلیه^۱ (۲۰۰۰) در مقاله‌اش با نام «معنای خدمات» با بهره‌گیری از نظریات بوردیو و آثار آنتونی گیدنز، جهت ایجاد چهارچوبی برای مطالعه‌ی نظام‌های معانی‌ای که خدمت‌دهندگان در کنش و واکنش‌های خود با کاربران به کار می‌گیرند، بر نقش عادت و سرمایه‌ی فرهنگی در ارائه‌ی خدمات کتابداری و اطلاع‌رسانی تأکید داشت که چگونه این خدمات به تشدید و بازتولید ساختارها و نظم اجتماعی کمک می‌کنند تا بتوانند در هیئتی مشروع جلوه‌گر شوند. از این‌رو استفاده از قدرت نمادین و سرمایه‌ی فرهنگی را به عنوان ساز و کار تشدید در سلطه‌ی طبقات و ساختارهای اجتماعی، ارائه می‌کنند که از این لحاظ به واسطه‌ی نمایش سلطه‌ی طبقه مسلط و غنی به لحاظ فرهنگی بر طبقه ضعیف و مورد‌دار (جوانان بزه‌کار) و تأثیر بر ساختارهای اجتماعی آن‌ها، نزدیک به پژوهش فوق می‌باشد.

کتابداری و اطلاع‌رسانی به عنوان بخشی از نهادهای حکومتی، خدماتی و آموزشی اغلب نقش یک عامل مشروعیت‌بخش برای مصنوعات فرهنگی را به عهده می‌گیرد. کتابخانه به عنوان جایی که آخرین مواد خواندنی و اطلاعات مفید را جهت ارائه به اعضای یک جامعه در خود دارد، حسی از مقبولیت مواد و مصالح ارائه شده ایجاد می‌کند. در نتیجه به عنوان مکانی شناخته شده است که با وقوف بر ساخت عرصه‌های فرهنگی و کشمکش‌های قدرت، می‌تواند پتانسیل و سرمایه‌ی مورد نیاز برای تأثیرگذاری مواضع طبقات مسلط بر تحت سلطه را در جهت بهینه‌سازی ساختار اجتماعی نمادین پدید آورد.

جان باد و آنه گولدینگ^۲ (۲۰۰۸) هر دو نقش کتابخانه به عنوان تولیدکننده و توزیع‌کننده‌ی نهادی شده‌ی سرمایه‌ی فرهنگی و قدرت نمادین را بررسی می‌کنند و به شناسایی روش‌هایی می‌پردازند که کتابخانه‌ها در فرآیند فراگیری فرهنگ از طریق آن‌ها عمل می‌کنند. گولدینگ می‌گوید « کتابخانه‌ها می‌توانند به عنوان پایگاه‌های تولید، انتشار و تخصیص سرمایه‌ی فرهنگی تلقی شوند» و هر دو نویسنده از طریق تلقی نقش کتابخانه‌ها به عنوان عوامل برجسته در عرصه‌های تولید فرهنگی به تحلیلی قانع

^۱ . France Bouthillier

^۲ . Anne Goulding

کننده از کتابخانه‌ها و نقش آن‌ها در بازتولید آداب و رسوم فرهنگی و نهادینه کردن آن به عنوان سرمایه‌ی نمادین جهت تبدیل سرمایه‌ی فرهنگی به سرمایه‌ی اجتماعی می‌رسند (لکی، گیون و بوشمن، ۱۳۹۵).

نتیجه‌گیری

در نهایت بر مبنای نظریه‌های بوردیو و با توجه به مفاهیم مطرح شده‌ی وی نظیر قدرت و خشونت نمادین سعی بر آن است که علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی را از طریق مراکز اطلاع‌رسانی و کتابخانه‌ها برای خدمت‌رسانی به گروه‌های محروم جامعه مانند جوانان بزه‌کار به خدمت گرفت و کتابداران بتوانند به عنوان متخصصان دارای قدرت اطلاعاتی حاصل از عرصه تولید فرهنگی و سرمایه‌ی فرهنگی‌ای که در اختیار دارند، به عنوان یک نهاد اجتماعی و به نیابت از جماعت اجتماعی بزرگتر که مبتنی بر جایگاه اجتماعی و سرمایه‌ی فرهنگی است، نقش خشونت نمادین را در تدوین برنامه‌ها برای گروه‌هایی که بیرون از هنجارهای اجتماعی تلقی می‌شوند تحلیل کنند و بتوانند برنامه‌هایی مبتنی بر نیازهای این قشر، طراحی نموده و با این ساختار اجتماعی نابه هنجار جامعه ارتباط برقرار نمایند یا حتی از طریق خشونت نمادین حاصل از قدرت سلطه‌گر به صورت ظریف و نامحسوس با تحمیل معنای رسمی و پذیرفته شده و بها استفاده از زبان و سرمایه نمادین (نمادها و سمبل‌های درستی که می‌توانند از طریق عادت نهادینه نمایند) به ورطه‌ی پیشبرد سلطه‌ی اجتماعی خود بکشانند تا بتوانند خشونت منفی موجود در این قشر از جامعه را از طریق خشونت مثبت موجود در قشر قدرتمند و سلطه‌گر، سرکوب و اصلاح نمایند.

فهرست منابع فارسی

توسلی، غلام‌عباس؛ موسوی، مرضیه. (۱۳۸۴). مفهوم سرمایه در نظریات کلاسیک و جدید با تاکید بر نظریه‌های سرمایه اجتماعی. نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۶. ص ۳۲-۱.

سگالن، مارتین. (۱۳۷۰). جامعه‌شناسی تاریخی خانواده. ترجمه حمید الیاسی. تهران: نشر مرکز.

شارع پور، محمود. (۱۳۷۹). فرسایش سرمایه اجتماعی و پیامدهای آن. نامه انجمن جامعه شناسی

ایران، شماره ۳.

شجاعی باغینی، محمد مهدی؛ مهرمنش، آرش؛ انصاری، رضا. (۱۳۸۷). مبانی مفهومی سرمایه

اجتماعی انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

علاقبندراد، جواد؛ دشتی، بهنوش؛ مرادی، مازیار. (۱۳۸۲). مواجهه با خشونت در نوجوانان: عوامل

شناختی - رفتاری و انعطاف پذیری). تازه های علوم شناختی، شماره ۲.

فکوهی، ناصر. (۱۳۸۴). تاریخ نظریه های انسان شناسی. تهران: نشر نی.

فیلد، جان. (۱۳۸۶). سرمایه اجتماعی. ترجمه غلامرضا غفاری؛ حسین رضایی. تهران: انتشارات

کویر.

قاسمی یارمحمد؛ نامدار جویمی، احسان. (۱۳۹۳). بررسی رابطه ی سرمایه ی فرهنگی و سرمایه ی

نمادین فرهنگی (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه دولتی ایلام). فصلنامه فرهنگ ایلام، شماره ۴۴ و ۴۵.

کلدی، علیرضا. (۱۳۸۴). سرمایه اجتماعی و خانواده. مجموعه مقالات نخستین سمپوزیوم سرمایه

اجتماعی و رفاه اجتماعی. انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.

لکی، گلوریا؛ گیون، لیزا ام؛ بوشمن، جان ئی. (۱۳۹۵). نظریه انتقادی برای علوم کتابداری و اطلاع

رسانی.

مهدوی، سید محمدصادق؛ ظهیری، هوشنگ. (۱۳۹۰). نقش سرمایه اجتماعی درون خانواده بر

سبک های اجتماعی شدن فرزندان. مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، شماره ۳.

نامدار جویمی، احسان. (۱۳۹۳). بررسی رابطه سرمایه فرهنگی، سرمایه اجتماعی و سرمایه نمادین با

رفتار مصرف کننده در صنعت پوشاک (مطالعه موردی شهروندان شهر اصفهان). پایان نامه کارشناسی

ارشد، دانشگاه ایلام.

نیازی، محسن؛ سعادت، موسی؛ منتظری خوش، حسن؛ حاتمی، رقیه. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر

سرمایه های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در بروز رفتارهای پر خطر (مورد مطالعه: جوانان شهر تبریز).

فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۴۲.

References

Bourdieu,P(1986);"The Forms of Capital".In J,G.Richardson(ed).Handbook of Theory and Research for the sociology of Education ,New York: Landon: GreenwoodPress.

Boutillier, France (2000)."The Meaning of Service Ambiguities & Dilemmas for public Service Library Providers". Library & information Science Research22:72-243.

Budd, John, & Lynn S. Connaway(1998). "Discursive Content & Discursive Power in U.S Library & Information Service Education." Libri 48(3):52-140.

Cronin, Blaise, & Debora Shaw(2002)."Banking(on) Different Forms of Symbolic Capital." Journal of American Society for Information Science & Technology 53(14): 70-1267.

Goulding, Anne(2008)."Libraries & Cultural Capital." Journal Librianship & Science 40(4):37-235

Garbarino, J., Dubrow, N., Kostenly, k., & Pardo, C. (1992). Children in danger: *Coping with the cousequneces of community violence*. San Francisco: Jossey-Bass.

Garbarino, J., Kostenly, K., & Dubrow, N. (1991). What children can tell us about living in danger. *American Psychologist*, 46(4), 376-383.

O'Donnell, D.A., Schwab-Stone, M.E., & Muyeed, A.Z. (2002). Multidimensional resilience in urban children exposed to community violence. *Child Development*, 73, 1265-1282.

The purpose of this paper is to examine the three dimensions of social capital, symbolic violence and the field of cultural production in the absence of violence among teenagers as social capital, according to Bourdieu's theory. Therefore, the present study is based on Bourdieu's social capital theory Who knows that the supply of cultural products and products and the creation of cultural capital and culture among the juvenile offenders as social capital, to the extent that they lead to a lack of violence among them and try It seeks to institutionalize the right cultural habits, such as studying and studying through the field of cultural products and cultural assets of Bourdieu's mindset, and can make the low-level habits of the non-normative community (delinquent youth) Desirable And reduced the symbolic violence resulting from the inappropriate cultural and social context in which they grew up, and by mastering it through the formal use of language and instruction through the dominant class, on this stratum They raised their level on the floor of their social structure and controlled them.

Keywords: Social Capital, Cultural Capital, Cultural Production, Symbolic Violence, Adolescents, Rehabilitation Centers